

مزایای داوری اختلافات خانوادگی بر رسیدگی توسط شورای حل اختلاف و دادگاه

محمد رضا مرندی^۱، محمد تقی اسعد^۲

^۱ استادیار حقوق، گروه حقوق، واحد گرمی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمی، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد گرمی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمی، ایران

چکیده

داوری را می‌توان در اصطلاح حقوقی «فصل اختلاف بین طرفین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاصی که طرفین یا ثالث، آنها را در این جهت انتخاب کرده باشند» دانست. این تعریف شامل داوری در هر نوع از دعاوی است، خواه این دعاوی، خانوادگی باشد، اعم از دعاوی تجاری داخلی و بین‌المللی که در فرض اخیر مشمول قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ است یا دعاوی مدنی که مشمول مقررات داوری در آیین دادرسی مدنی می‌شود و خواه داوری در اختلافات خانوادگی که شیوه خاصی از داوری بوده و ناظر به مواردی است که بین زوجین اختلافاتی ایجاد می‌شود و با توجه به شرایط مقرر در قانون حمایت خانواده صورت می‌گیرد. وجود اختلاف بین زوجین به دلیل تفاوت‌های فردی آنها امری طبیعی است، اما این امر طبیعی نباید چنان پیشرفت نماید که بنیاد خانواده دچار تزلزل شود. در حقوق ایران به این نهاد، داوری اطلاق می‌شود که مورد توجه قانون‌گذار می‌باشد؛ اگرچه نواقصی در قوانین آن موجود است. در این مقاله مزایای داوری اختلافات خانوادگی بر رسیدگی توسط شورای حل اختلاف و دادگاه پرداخته شده است. در انتها پیشنهاد شده که قوه قضائیه در کنار دادگاه‌های خانواده، به تعداد لازم شعب داوری متشکل از کارشناسان حقوقی و مشاورین خانواده و روان‌شناس برای کمک به شوراهای حل اختلاف جهت حل اختلافات خانوادگی تشکیل دهد.

واژه‌های کلیدی: داوری، اختلاف، خانواده، شورای حل اختلاف.

۱. مقدمه

داور در اختلافات خانوادگی تنها صلاحیت رسیدگی به اختلافات زوجین را دارد لذا قلمرو رسیدگی داوران محدود به اختلافات زوجین است؛ در حالی که در قانون آیین دادرسی مدنی صلاحیت داوران محدودیتی ندارد و تنها چند مورد خاص (همچون دعوی راجع به اصل نکاح و طلاق) از حدود صلاحیت آنها خارج شده است و در سایر موارد صلاحیت داوری دارند. (ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی). به علاوه داورانی که به موجب قانون آیین دادرسی مدنی اقدام به حل اختلاف می‌کنند، از نظر تعداد باید فرد (طاق) باشند تا در صورت اختلاف نظر اکثریت ملاک باشد اما در خصوص داوران در اختلافات خانوادگی به موجب ماده ۲۸ قانون حمایت خانواده که آخرین قانون مصوب در زمینه داوری در اختلافات خانوادگی است، هر یک از زوجین باید داوری را از بین اقارب خود با شرایط مندرج در قانون معرفی کنند که با این وصف، تعداد داوران زوج بوده و دو نفر هستند. همینطور در داوری عام، اختیار داور، صدور حکم است و حکم داور مانند رای دادگاه قابلیت اجرایی دارد اما در داوری خاص اختلافات خانوادگی صدور رای از اختیارات دادگاه است و داوران تنها باید نظریه خود را به دادگاه بدهند و دادگاه با توجه به نظر آنها اقدام به صدور رای کند. بر این اساس می‌توان گفت داوری در دعوی خانوادگی که قرآن کریم از آن به حکمیت تعبیر می‌کند (برگرفته از تعبیر آیه ۳۵ سوره نساء مبنی بر حکم دانستن داوران) یک نهاد اختصاصی برای اختلافات خانوادگی است که دارای ماهیتی خاص و متفاوت از نهادهای وکالت، قاضی تحکیم یا نهاد داوری مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی است. اساساً این نهاد با توجه به ماهیت خاص نهاد خانواده و ویژگی‌های آن شکل گرفته و بیش از آن که سعی در فصل خصومت داشته باشد، به منظور ایجاد صلح و سازش بین زوجین ایجاد شده و بر همین مبناست که برخی از آن به محکمه صلح خانوادگی تعبیر کرده‌اند (روزنامه حمایت، ۱۳۹۵).

۲. چگونگی داوری در اختلافات خانوادگی

بعضی از مواقع یکی از زوجین به تکالیفی که در مقابل همسر خود دارند، بی‌توجهی می‌کند و عواقب این امر باعث بروز اختلافاتی بین آنان می‌شود که رفع نشدن آن به جدایی و طلاق می‌انجامد؛ بنابراین لازم است پس از بروز اختلاف‌های جزئی، به هنگام چاره‌جویی کرد و مانع از جدی‌تر شدن اختلاف شد. بهترین راه حل این است که اشخاصی که دارای حسن نیت، تجربه و بینش کافی در امور خانواده هستند به عنوان داور، با دخالت در این اختلاف‌ها، برای رفع آنها اقدام کنند تا این امر هم به تسهیل روند کار و هم حصول نتیجه نهایی که همان حل اختلاف و جلوگیری از شقاق و جدایی و طلاق زوجین است، کمک کند (تریز، ۱۳۸۵).

۳. توضیح مفهوم کلی داور

مفهوم داوری از دیرباز در عرف وجود داشته بنابراین داوری در جوامع بشری نهادی دیرینه است. این نهاد از موضوعات بسیار ابتدایی مثل اختلاف بین دو دوست تا موضوعات پیچیده را می‌تواند در برگیرد. اگرچه در میان جامعه حقوقی کشور ارزش و کارکرد داوری برای سال‌ها محجور بوده است، امروزه داوری به سمتی می‌رود که جایگاه خود را بازیابد (طبرسی، ۱۹۹۵).

۴. نحوه و زمان ارجاع به داور

زمان طرح بحث داوری می‌تواند قبل از بروز اختلاف باشد مثلاً طرفین در ذیل معامله ملتزم می‌شوند در صورت بروز اختلاف، رفع اختلاف با داور باشد یا اینکه تعیین داور همزمان با بروز اختلاف باشد. طبق ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی کلیه اشخاص که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند (عبدالحمید، ۱۹۸۹ م).

۵. شرایط داور

همانگونه که قضاوت در محاکم دارای شرایط و اوصافی هستند داوری نیز از این قاعده مستثنا نیست و قطعاً باید شرایطی داشته باشد. طبق اصل کلی هر شخصی صلاحیت انتخاب شدن به عنوان داور را دارد و این امر با آزادی طرفین اختلاف در تعیین کمیت و کیفیت داور تحقق می‌یابد اما به دلایل مختلفی مثل نظم عمومی، نقض بیشتر عدالت و بی‌طرفی داور قانون شرایطی نیز برای داور مد نظر قرار داده است. طبق ماده ۴۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی بعضی از اشخاص هرچند با تراضی طرفین نمی‌توانند به عنوان داور انتخاب شوند که مشخصات آنها به این شرح ذیل هستند:

۱- اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند. ۲- اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوری محروم شده‌اند. همچنین طبق ماده ۴۶۹ قانون مذکور برخی از اشخاص دارای محدودیت‌هایی هستند که فقط با تراضی طرفین می‌توانند به عنوان داور تعیین شوند: ۱- کسانی که سن آنان کمتر از ۲۵ سال تمام باشد ۲- کسانی که در دعوا ذی نفع باشند ۳- کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا هستند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنان باشد ۴- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند ۵- کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند ۶- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند. ۷- کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوج و یا یک از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم، دادرسی مدنی دارند و کارمندان دولت در حوزه ماموریت آنان همچنین کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی نمی‌توانند داوری کنند. زمانی که که طرفین اختلاف خود را به داور ارجاع می‌دهند، باید حدود اختیارات داوری و موضوع داوری یا آنچه را داور باید در آن خصوص رای دهد و به نزاع طرفین پایان دهد، مشخص کنند. در این مسیر داور از هر گونه ابزاری که برای رفع اختلاف نیاز داشته باشد از قبیل کارشناسی و... می‌تواند استفاده کند تا در نهایت موضوع را به سرانجام برساند. مهم‌ترین وظیفه داور حل نزاع بین طرفین است (کاتوزیان، ۱۳۷۴).

۶. نحوه انتخاب داوران چگونه است؟

طرفین در زمان تنظیم قرارداد آزادی کامل دارند تا هر تعداد داور را می‌خواهند انتخاب کنند لذا داور توسط طرفین قبل یا بعد از اختلاف می‌تواند تعیین شود و همچنین ممکن است اختیار تعیین داور به احدی از طرفین یا شخص ثالثی سپرده شود تا در صورت بروز اختلاف آن فرد داور را معرفی کند؛ اما چنانچه طرفین در خصوص داور سکوت اختیارکنند و مرجع و شخص خاصی را داور تعیین نکنند. مطابق ماده ۴۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی یکی از طرفین می‌تواند داور خود را معین و به وسیله اظهارنامه رسمی به طرف مقابل معرفی و متقابلاً درخواست تعیین داور کند یا نسبت به تعیین داور ثالث تراضی کنند. در این صورت طرف مقابل مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه داور خود را معرفی یا در تعیین داور ثالث تراضی کند. هرگاه انقضای مدت یادشده اقدام نشود ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه برای تعیین داور استفاده کند. طبق مواد قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ ارجاع دعاوی طلاق به داوری امری ضروری است و قانونگذار آن را صراحتاً ذکر کرده است (کاتوزیان، ۱۳۷۴).

۷. داوری اجباری

یکی از انواع داوری، داوری اجباری است. داوری اجباری شامل داوری نسبی و مطلق می‌شود. در داوری اجباری نسبی، دادگاه به درخواست یکی از طرفین دعوا، آن را به داوری ارجاع می‌دهد از سوی دیگر در داوری اجباری مطلق، بدون درخواست طرفین و تنها به حکم قانون، دعوا به داوری ارجاع می‌شود. برای نمونه می‌توان به ماده ۲ و ۱۴ قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۸۹ اشاره کرد. ارجاع امور به داوری می‌تواند اختیاری یا اجباری باشد؛ اما پاره‌ای از دعاوی از جمله دعاوی مربوط به بحث پیش

فروش آپارتمان و یا دعاوی خانوادگی مثل طلاق با توجه به صراحت قانون نیازمند داوری هستند ضمن اینکه طرفین می‌توانند اختلاف و منازعه خود را طبق ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی به داوری ارجاع دهند (بنا، ۱۹۹۶ م)

۸. اظهار نظر داور در طلاق

تفاوت بین اظهار نظر داوران در طلاق توافقی و سایر طلاق‌هایی را که متقاضی آن زوجه یا زوج باشند، مورد بررسی قرار می‌دهد. مطابق قانون حمایت خانواده مصوب سال ۹۱ و طبق ماده ۲۷ آن، در کلیه طلاق‌ها غیر از طلاق توافقی دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع دهد. در خصوص طلاق توافقی طبق قانون جدید موضوع به مراکز مشاوره خانواده ارجاع داده می‌شود. طبق ماده ۱۹ قانون حمایت خانواده این مراکز مشاوره به عنوان کارشناس در موضوع ورود و سعی در حل و فصل اختلافات می‌کنند و نظرات آن‌ها یعنی علل و دلایل عدم سازش باید به طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام شود. البته این بحث ریشه فقهی نیز دارد. از سوی دیگر مهم‌ترین وظیفه داور در سایه طلاق‌ها بررسی امکان حصول سازش یا عدم امکان آن است (سمنی، ۱۹۹۰ م).

۹. تفاوت داوری ایران و سایر کشورهای اسلامی

با توجه به وجود منابع فقهی مشترک در میان کشورهای اسلامی، اختلاف و تفاوت عمده‌ای در میان نیست بجز در شیوه و طریقه داوری؛ اما به طور اجمالی از مقایسه داوری در حقوق ایران و سایر کشورهای اسلامی نکاتی قابل استنباط است؛ مثلاً در حقوق ایران در تمامی دعاوی طلاق به غیر از طلاق توافقی امر به داوری ارجاع می‌شود حال آن که در دیگر کشورهای اسلامی زمانی امر به داوری ارجاع می‌شود که زوجه در زندگی با زوج ادعای ضرر کند اما نتواند ضرر ادعایی خود را ثابت کند و زوج نیز ادعای زوجه را رد کند که نمونه آن را می‌توانیم در قانون مصر ملاحظه کرد. هم در حقوق ایران و هم در حقوق سایر کشورهای اسلامی در تعیین داور اولویت با اقارب زوجین است و داوران باید قدرت بر اصلاح ذات‌البین داشته باشد این نمونه از موارد مشابهت داوری در کشور ایران با دیگر کشورهای اسلامی است. امروزه استفاده از روش‌ها و شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف مثل داوری و سازش و... جایگاه خود را پیدا کرده و اکثریت کشورها به مانند سابق صرفاً از مراجع قضایی و دادگاه و قاضی استفاده نمی‌کنند چرا که به سودمندی نهادهای دیگر مثل داوری پی برده اند (قرائتی، ۱۳۸۲).

۱۰. مزایا تفاوت داوری

در ایران اگر چه حرکت به این سمت به کندی صورت می‌پذیرد اما نهاد داوری کمک بسیار بزرگی به سیستم قضایی ما می‌تواند بکند چرا که با توجه به حجم عظیم دعاوی مطروحه در دادگستری، نهاد داوری می‌تواند پذیرای بسیاری از پرونده‌ها و حل و فصل آن باشد. سرعت در حل و فصل اختلافات، بی‌طرفی داور، امکان اجرای بهتر رای داوری، حل مسالمت‌آمیز اختلافات را می‌تواند از جمله مزایای داوری برشمرد (قرائتی، ۱۳۸۲).

۱۱. تحولات داوری در نظام حقوقی ایران

نظر به این که داوری در تحولات حقوقی ایران تغییرات زیادی داشته، لازم است به صورت مختصر این تحولات مورد بررسی قرار گیرد: اولین بار در ماده ۶۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ آمده: در مورد اختلاف بین زن و شوهر راجع به سوء رفتار و عدم تمکین و نفقه و کسوه و سکنی و نیز هزینه طفلی که در عهده شوهر و در حضانت زن باشد، از طرف هر یک از زوجین مطرح شود، دادگاه‌ها می‌توانند به درخواست هر یک از طرفین، دعوا را ارجاع به داوری نموده و در صورت عدم تراضی آنها در تعیین داور لاقول دو نفر را از بین اقربای طرفین و در صورتی که در محل سکونت خود، اقرباء نداشته باشند، از اشخاصی که با آنها معاشرت و دوستی دارند، تعیین کنند. داورها مکلفند حتی الامکان سعی در اصلاح بین زوجین نموده و در صورتی که قادر به اصلاح نشوند، رأی خود را در تشخیص ذیحق بودن یکی از طرفین و تعیین میزان هزینه زن یا طفل در صورتی که موضوع دعوا هزینه زن باشد، به دادگاه تقدیم کنند. مطابق این ماده، اولاً داوری اختصاص به طلاق ندارد و در همه موضوعات

زندگی خانوادگی است. ثانیاً ارجاع امر به داوری با تقاضای یکی از طرفین صورت می‌گیرد. ثالثاً دادگاه الزامی به ارجاع امر به داوری ندارد. در ماده ۶ - ۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ راجع به داوری می‌باشد، ماده ۵: دادگاه در صورت تقاضای هر یک از طرفین مکلف است، موضوع دعوا را به استثنای رسیدگی به اصل نکاح و طلاق به یک تا سه داور ارجاع نماید. همچنین دادگاه در صورتی که مقتضی بداند رأساً نیز دعوا را به داوری ارجاع خواهد کرد (جبعی العاملی، ۱۴۱۶ ق).

۱۲. بررسی قانون فعلی داوری

آخرین قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق که در ۲۸ آبان ماه ۱۳۷۱ توسط مجمع تشخیص مصلحت تصویب شد؛ آئین‌نامه تبصره آن نیز در ۹ ماده در ۲ اسفند ماه ۱۳۷۱ به تصویب رسید که ذیلاً بررسی خواهد شد:

الف: دعاوی نیازمند داوری

از بین تمام دعاوی مربوط به نکاح مثل دعوی الزام به انفاق، الزام به تمکین، مطالبه مهریه، طلاق و... فقط دعاوی طلاق است که به تجویز قانونگذار، نیازمند مداخله داور است. همچنین تفاوتی در نوع طلاق درخواستی و درخواست کننده طلاق، نمیباشد؛ به عبارت دیگر چه درخواست طلاق از طرف مرد یا زن باشد و چه طلاق با توافق طرفین درخواست کننده باشد، دعاوی زوجین باید به داوری ارجاع شود.

ب: زمان ارجاع به داوری

با طرح دعاوی طلاق از طرف زوجین یا یکی از آنها دادگاه نمی‌تواند در بدو امر، نسبت به ارجاع طرفین به داور اقدام کند، بلکه ابتدا باید خود تلاشش را برای حل و فصل اختلاف به کار گیرد. اگر دادگاه در حصول نتیجه ناکام ماند و اختلافات با مداخله مستقیم برطرف نگردید، رسیدگی به دعوا از طریق ارجاع امر به داوری ادامه پیدا می‌کند. پس داوران در طلاق، قائم مقام دادگاهند و زمانی در دعوا مداخله می‌کنند که دادگاه در رفع اختلاف به بن‌بست رسیده باشد.

ج: نحوه انتخاب داوران

بعد از این که دادگاه قرار ارجاع امر به داوری را صادر کرد، هر یک از زوجین مکلفند ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، یک نفر از اقارب خود را که دارای شرایط داوری در آیین‌نامه است، به عنوان داور معرفی نمایند. در صورتی که بین اقارب، فرد واجد شرایط نبود یا دسترسی به آنان مقدور نباشد یا اقارب از پذیرش داوری استنکاف نمایند، هر یک از زوجین می‌توانند داور خود را از بین افراد دیگر که واجد صلاحیت هستند، انتخاب کنند و اگر توانایی معرفی داور را نداشته یا از معرفی وی امتناع نمایند، دادگاه رأساً از بین افراد واجد شرایط، مبادرت به تعیین داور می‌نماید.

د: شرایط داوران

مطابق ماده ۴ آیین‌نامه داوران منتخب یا منصوب، باید واجد شش شرط باشند: مسلمان، آشنایی نسبی با مسائل شرعی، خانوادگی و اجتماعی، دارا بودن حداقل چهل سال سن، متأهل، معتمد، عدم اشتغال به فسق و فساد. جنسیت داوران مورد توجه قانونگذار نبود، بنابراین هم مرد و هم زن می‌تواند به عنوان داور انتخاب یا منصوب شوند.

ه: مراحل داوری

تعیین داوران و قبول داوری از طرف ایشان؛ دادگاه باید زمانی را معین نماید و وظایف و نحوه عمل داوران را به آنها گوشزد کند و مهلتی را که داوران باید نظر خود را در خصوص اختلاف به دادگاه تسلیم کنند، تعیین نماید. داوران مکلفند حداقل دو جلسه با حضور طرفین تشکیل داده و مشکلاتی را که موجب بروز اختلاف گردیده است، بررسی نمایند و با ارائه راهکارهای مناسب

سعی در رفع اختلاف و اصلاح ذات‌البین نمایند. عدم حضور زوجین یا یکی از آنها در جلسات، مانع تشکیل آن نیست و داوران باید به هر صورت، موارد اختلاف را بررسی نموده و نظر خود را بر امکان یا عدم امکان سازش، در مهلت تعیین شده به دادگاه تسلیم نمایند. در صورتی که مهلت تعیین شده برای داوری کافی نباشد، داوران می‌توانند از دادگاه تقاضای تمدید مهلت نمایند و در صورتی که دادگاه درخواست را ضروری تشخیص داد، مهلت تمدید می‌شود. داوران می‌توانند برای انجام داوری تقاضای حق‌الزحمه نمایند و دادگاه حق‌الزحمه آنان را تعیین و دستور اخذ و پرداخت آن را به داوران خواهد داد (ناجی، ۱۹۷۰م).

۱۳. نقد قانون داوری

با توجه به آیات، موضوع داوری شامل تمام اختلافات خانوادگی می‌شود، ریشه‌های اختلاف زوجین که باعث به بن‌بست رسیدن زندگی آنان می‌شود، ناشی از عدم توجه و انجام وظایف و تکالیف خود در مقابل یکدیگر است که در ابتدای امر با طرح دعاوی، مثل الزام به تمکین، الزام به انفاق و ... مطرح می‌شود. با توجه به این که مبنای ارجاع امر به داوری جلوگیری از بروز آثار مخرب اختلافات جزئی و اولیه بین زوجین و رفع آنها به منظور ممانعت از عمیق‌تر شدن شکاف بین زوجین و جدایی و طلاق است، اختصاص دادن امر داوری به دعاوی طلاق، با مصلحت خانواده و همچنین آیه شریفه‌ای که داوری به استناد آن در قانون گنجانده شده، مغایر است (هدایت نیا، ۱۳۸۶).

ممکن است در پاسخ به این ایراد بیان شود، در رسیدگی به دعاوی طلاق، داوران ریشه‌های اختلاف را واکاوی کرده و سعی در رفع آنها خواهند نمود و با رفع این امور، ماده نزع قلع شده و هدف حاصل خواهد شد؛ اما این استدلال مخدوش است؛ چرا که هدف از ارجاع امر به داوری از نظر قرآن پیشگیری از بروز اختلاف است، نه چاره‌جویی آن. پس از بالا گرفتن اختلافات هرچند که در این خصوص نیز ارجاع امر به داوری توصیه می‌گردد، اما عدم ارجاع امر به داوری در سایر دعاوی خانوادگی که مقدمه طلاق هستند، ایرادی است که در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ موجود نبود، اما اکنون موجود است. زمان ارجاع امر به داوری مناسب نیست. داوری در قرآن یک تدبیر پیشگیرانه است و با بروز نشانه‌های اختلاف شکل می‌گیرد؛ لذا امید بیشتری به حصول نتیجه می‌باشد، حال آنکه داوری در قانون فعلی چنین نیست؛ دادگاه موقعی اقدام به تشکیل جلسات داوری می‌گیرد که اختلافات طرفین ریشه کرده و طرفین تصمیم به طلاق دارند (شفقه، ۱۹۹۷م). با طرح دعاوی طلاق نیز دادگاه ملزم نیست، در ابتدا امر را به داوری ارجاع دهد، بلکه دادگاه باید نسبت به ایجاد صلح و سازش بین زوجین اقدام نماید و در صورتی که موفق به حل و فصل دعوا نشد، مبادرت به ارجاع امر به داوری نماید. این روش چند اشکال دارد:

الف) با توجه به آیه قرآن کریم، داوری تشکیلاتی برای صلح خانوادگی است، نه تشکیلات قضایی. محیط و فضا در دادگاه ولو این که قصد صلح و سازش داشته باشد، محیطی قضایی است و طرفین برای اقناع قاضی به دفاع از عملکرد خود می‌پردازند و در این راه معمولاً از هیچ کاری فروگذار نیستند. این روحیه و عملکرد در برخی مواد نه تنها در بهبود روابط مفید نیست، بلکه موجب دشمنی بیشتر و تسریع در جدایی می‌گردد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۵).

ب) با توجه به این که نتیجه دعوا در کار دادگاه مؤثر نیست و دادگاه‌ها بیشتر در فکر فصل خصومت هستند، هیچ‌گاه حساسیت داورانی را که با طرفین وابستگی دارند و جدایی یا صلح آنها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، ندارند (عیسی‌الفقی، ۲۰۰۵م).

ج) در صورتی هم که دادگاه واقعاً قصد اصلاح و سازش بین زوجین را داشته باشد، به علت کثرت مشغله و تعدد پرونده‌های موجود در دادگاه و با عنایت به صبر و حوصله و وقت فراوانی که رسیدگی به دعاوی خانوادگی می‌طلبد، امکان انجام این کار برای قضات دادگاه فراهم نیست. در قانون از دو داور نام برده شده که یکی از طرف زن و دیگری از طرف مرد انتخاب می‌شود. با توجه به این که امکان اختلاف نظر بین داوران موجود است - مثلاً داور زوج رأی به امکان ادامه زندگی و داور زوجه رأی به

جدایی و عدم مصالحه و سازش نماید - مشخص نیست که دادگاه باید کدام نظر را بپذیرد. این ایراد با توجه به تبصره ۲ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق بارزتر می‌شود؛ زیرا مطابق این تبصره، گزارش کتبی عدم امکان سازش با توجه به کلیه شروط ضمن عقد و مطالب مندرج در اسناد ازدواج جمهوری اسلامی ایران و نیز تعیین تکلیف و صلاحیت سرپرستی فرزندان و حل و فصل مسائل مالی با امضای حکمین شوهر و زن مطلقه و همچنین گواهی کتبی سلامت روانی زوجین در صورتی که برای دادگاه مدنی خاص مشکوک باشد، به دادگاه تحویل می‌گردد. میزان اعتبار نظریه داوران و التزام یا عدم التزام دادگاه به این نظریه در قانون مشخص نشده است؛ به عبارت دیگر مشخص نیست که آیا دادگاه ملزم به پذیرش نظریه داوران مبنی بر امکان ادامه زندگی است؟ (بنا، ۱۹۹۶ م)

۱۴. مقایسه داوری و شورای حل اختلاف

قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۸۷/۴/۱۱ در مواد ۱۳ - ۱۲ در خصوص دعاوی خانوادگی می‌باشد و به دادگاهها اجازه داده است، با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش، موضوع را به شورای حل اختلاف ارجاع نماید. با ارجاع امر به شورا، اعضای این مرجع مکلف هستند، برای حل و فصل دعوی و ایجاد صلح و سازش تلاش کنند و نتیجه تلاش‌های خود را که ممکن است، توفیق در اصلاح یا عدم موفقیت در رسیدن به این هدف باشد، به دادگاه اعلام کنند. با بررسی این دو ماده و همچنین بند ۱ ماده ۱۱ این قانون، نقاط افتراق و اشتراک در داوری و شوراها حل اختلاف قابل ذکر است:

۱. نقاط افتراق

۱ - ۱) در قانون شورای حل اختلاف، همه دعاوی خانوادگی جهت صلح و سازش، امکان ارجاع به شورا را دارند، اما در قانون داوری فقط دعوی طلاق به داوری ارجاع می‌شود و از این نظر شورای حل اختلاف مزیت بیشتری نسبت به قانون داوری دارد.
 ۱ - ۲) در قانون شورای حل اختلاف، دادگاه ملزم به ارجاع پرونده به شورا نیست، (مگر در مورد نفقه، آن هم در صورتی که میزان خواسته از پنجاه میلیون ریال بیشتر باشد) بلکه در صورتی که مصلحت بدانند، می‌تواند این کار را انجام دهد؛ اما در قانون داوری با طرح دادخواست طلاق، دادگاه ملزم به ارجاع اختلاف به داوری است. به نظر می‌رسد، اگر حداقل در دعاوی خانوادگی ارجاع امر به شورای حل اختلاف الزامی بود، به شرط این که شورا نیز تخصصی شده و اشخاص متخصص در آن به انجام وظیفه بپردازند، نتیجه بهتری گرفته می‌شد.

۱ - ۳) در شورای حل اختلاف، هیئت رسیدگی کننده به اختلاف را قاضی معرفی کرده و انتخاب می‌نماید، اما در داوری، هیئت داوری را طرفین دعوی معرفی کرده و دادگاه آنها را قبول و انتخاب می‌نماید.

۲. نقاط اشتراک

۱ - ۲) هم در شورای حل اختلاف و هم در هیئت داوری، باید برای ایجاد صلح و سازش بین زوجین تلاش شود.
 ۲ - ۲) در هر دو مرجع، التزام به نتیجه وجود ندارد، اما به هر حال نتیجه تلاش هیئت‌ها باید به دادگاه ارجاع دهنده اختلاف، گزارش شود (روزنامه حمایت، ۱۳۹۵).

۱۵. عملکرد دادگاه در خصوص دعاوی طلاق

عملکرد دادگاه‌ها در مسئله طلاق را می‌توان با توجه به نوع طلاق درخواستی به دو دسته تقسیم نمود:

الف: طلاق توافقی

طلاق خلع و مبارات در دادگاه‌ها و رویه قضایی به طلاق توافقی شهرت دارد و بسیاری از دادگاه‌ها هیچ حساسیتی نشان نمی‌دهند. در واقع به دلیل کثرت این دادخواست‌ها در برخی دادگاه‌های خانواده، رسیدگی به آنها یک روند اداری را به جای روند

قضایی طی می‌کند و دادگاه‌ها سرعت را در رسیدگی به این درخواست‌ها در نظر دارند تا حدی که طرح دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش رسیدگی، ارجاع امر به داوری، وصول نظریه داور و صدور گواهی عدم امکان سازش در عرض یک روز انجام می‌شود؛ به این نحو که زوجین هنگام طرح دادخواست، داور خود را نیز به دادگاه معرفی می‌نمایند. دادگاه با تشکیل جلسه، اظهارات زوجین را اخذ نموده و در صورت جلسه قرار، ارجاع امر به داوری را قید می‌نماید. داور نیز در همان روز نظر خود را که چه بسا قبلاً آماده بوده است، به دادگاه تسلیم می‌نماید و چون همه چیز از قبل مشخص می‌باشد، دادگاه گواهی عدم امکان سازش را که معمولاً برگی آماده و چاپ شده است، تکمیل و امضا می‌نماید. در همان جلسه، این گواهی به طرفین ابلاغ می‌شود و آنان حق اعتراض را از خود سلب نموده و با قطعیت رأی، طرفین به دفترخانه‌های ازدواج و طلاق، جهت اجرای صیغه طلاق و ثبت آن دلالت می‌شوند.

این مراحل در خوش‌بینانه‌ترین حالت و در صورت حساسیت دادگاه ممکن است حداکثر به یک تا دو ماه افزایش پیدا کند؛ اما این روال فقط برای رعایت قانون طی می‌شود. به اضافه این که در پذیرش داور یا تعیین آن توسط دادگاه نیز حساسیتی وجود ندارد. در نتیجه کسانی به داوری برگزیده می‌شوند که یا فاقد اطلاعات و تخصص لازم جهت انجام وظیفه هستند یا این که داوری را وسیله‌ای جهت کسب درآمد قرار داده و فاقد انگیزه‌های لازم جهت ایجاد صلح و سازش بین طرفین می‌باشند.

ب: طلاق به درخواست یکی از زوجین

در این نوع طلاق که بیشتر از طرف زوجه است، دادگاه‌ها توجه بیشتری به حفظ خانواده نشان می‌دهند. با طرح دعوی در دادگستری، قبل از ارجاع پرونده به یکی از شعب دادگاه خانواده، پرونده به یکی از شعب شورای حل اختلاف ارجاع می‌گردد تا در این شعبه اقدامات لازم جهت شناخت موضوع اختلاف و در صورت امکان، رفع آن انجام پذیرد و بین زوجین آشتی و وفاق حاصل گردد. نکته مهم این است که موفقیت شوراهای حل اختلاف در ایجاد الفت و آشتی بین زوجین متأسفانه بسیار کم بوده و این نهاد نتوانسته انتظارات را برآورده کند. می‌توان دلیل آن را علاوه بر عدم تخصص اعضاء در این امور، کثرت پرونده‌های ارجاعی به شوراها که باعث شده است، اعضاء دچار آمارگرایی و روزمرگی شوند، دانست. اصلاح قانون تشکیل شوراهای حل اختلاف و افزایش صلاحیت‌های آن و تغییر ماهیتشان از یک نهاد شبه قضایی به یک نهاد قضایی نیز به مشکلات شوراها در این خصوص افزوده است. به طوری که تنها عایدی طرفین اختلاف (خصوصاً خانم‌هایی که ناچار به طرح دعوی طلاق می‌شوند)، معطلی و تضییع حق در این نهاد تازه تأسیس و غیر حرفه‌ای است. به هر حال اگر شورا نتوانست علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، رفع مشکل نماید، پرونده را برای رسیدگی قضایی به دادگستری ارجاع می‌دهد. با تعیین شعبه دادگاه روند رسیدگی قضایی به پرونده آغاز می‌گردد و دادگاه، مطابق قانون در صورتی که موفق به اصلاح ذات‌البین نگردد، ملزم است اختلاف را به داوری ارجاع نماید. نحوه تعیین داور و انجام تکالیف آنها مطابق داوری در طلاق‌های توافقی می‌باشد، به اضافه این که در زمان اختلاف داوران نسبت به ادامه زندگی یا عدم امکان آن قانونگذار، راه حلی پیش‌بینی ننموده است و دادگاه برای اخذ تصمیم فقط به دلائل مطروحه از طرف هر کدام از زوجین توجه می‌نماید (هدایت نیا، ۱۳۸۶).

۱۶. بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج و تشکیل خانواده یکی از نیازهای بشر بوده و در دین مقدس اسلام به آن توصیه فراوان شده است. تا جایی که پیامبر آن را سنت خود دانسته و کسی را که از این سنت‌گریزان است از خود و مسلمان نمی‌داند؛ اما تشکیل خانواده ابتدای راه زندگی زناشویی است و حفظ و استدامت آن، از تشکیل خانواده اهمیت بیشتری دارد. این مهم میسر نمی‌شود مگر با رعایت حقوق زوجین نسبت به یکدیگر که در شرع مقدس اسلام، جزئیات آن تعیین و مشخص گردیده است؛ اما گاهی اوقات یکی از زوجین یا هر دوی آن‌ها به تکالیفی که در مقابل همسر خود دارند، بی‌توجه هستند و این امر موجب بروز اختلاف بین زوجین می‌گردد که عدم رفع آن به جدایی و طلاق منجر می‌شود؛ بنابراین لازم است با بروز اختلافات جزئی، چاره جویی نموده و از عمیق‌تر

شدن آن جلوگیری نمود. بهترین راه برای انجام این امر آن است که اشخاصی که دارای حسن نیت، تجربه، بینش کافی در امور خانواده هستند و در رفع این مشکل ذی‌نفع می‌باشند، با دخالت در این اختلافات، نسبت به رفع آنها اقدام نمایند. قرآن کریم این اشخاص را حکم نامیده و در حقوق ایران از آن تعبیر به داور می‌شود که حضور آنها در زمان مناسب و دخالتشان در رفع اختلافات جزئی، باعث جلوگیری از عمیق‌تر شدن آنها می‌شود. به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی، شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار «شورا» نامیده می‌شوند، تحت نظارت قوه قضائیه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد. در کشور ما به دلیل وسعت سرزمین، فواصل طولانی بین شهرها، کثرت و پراکندگی و صعوبت دسترسی به بسیاری از روستاها و شهرهای کشور، ضرورت و اهمیت مؤسسات شبه قضایی کارا و قانونی برای حل اختلافات خانوادگی، انکار ناپذیر است. البته پیش از تدوین قوانین و تأسیس دادگاه‌ها، اجتماعات انسانی اختلافات خود را از طریق صلح و سازش و داوری و بر مبنای عرف و آداب و رسوم موجود حل و فصل می‌کردند، لیکن به هنگام تشکیل دادگاه‌ها در شهرها، این واقعیت نادیده گرفته شد که به علت پراکندگی شهرها و روستاها ایجاد دادگاه‌ها در روستاها و شهرهای کوچک امری غیر ممکن و یا لاقط بسیار پرهزینه و دشوار خواهد بود. نتیجه این که روستائیان و ساکنین شهرهای کوچک همواره از دسترسی به عدالت، آن گونه که مورد انتظار است، محروم می‌شوند. در شهرهای بزرگ نیز کثرت پرونده‌ها در دادگاه‌ها، مجال رسیدگی توأم با دقت کامل را در بسیاری از موارد از قضات زحمتکش می‌گیرد و در نتیجه بازمی‌ناراضیتی از دادگاه‌ها روز به روز وسعت بیشتری می‌یابد؛ بنابراین با توجه به نکات مزبور هرچه بیشتر ضرورت تشکیل مراکز با ماهیت شبه قضایی کارا مانند شوراهای حل اختلاف به طور ایجاد در روستاها و شهرهای کوچک و به طور وسعت دادن بیشتر این مراکز در شهرهای بزرگ برای حل اختلافات خانوادگی احساس می‌شد که خوشبختانه ابزار قانونی رفع برخی از اختلافات خانوادگی، خارج از محاکم دادگستری، توسط مقنن فراهم گردیده است. شورای حل اختلاف یکی از نهادهای بسیار موثر و مفید در نظام جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند در حل اختلافات خانواده با کمک ریش سفیدان طایفه‌ها و محلات موثر باشد. با توجه به حجم بالای پرونده‌ها و اختلافات در دادگاه‌ها، این شورا می‌تواند در جهت کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی، توسعه مشارکت‌های مردمی، رفع اختلافات محلی و خانوادگی و در مجموع در حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارند یا از ماهیت قضایی پیچیده‌ای برخوردار نیستند موفق عمل کنند.

۱۷. پیشنهادات

- مطابق آنچه قرآن کریم در مورد داوری مقرر فرموده است، عمل شود؛ یعنی هر گونه اختلاف و دعوی خانوادگی مطروحه در دادگاه به داوری ارجاع گردد تا ماده نزع از طریق محکمه صلح قلع شده و شکاف بین زوجین گسترده نگردد. در واقع باید با اصلاح قانون، زوجین وقتی حق مراجعه به حاکم و شورای حل اختلاف را داشته باشند که در ابتدای امر با حضور داوران در مراجع تخصصی، مانند بهزیستی مراجعه نموده و مشاوران بهزیستی، متخصص روان‌شناسی و مشاور خانواده و مراکز مداخله در امور خانواده گواهی نمایند که تلاش داوران و کارشناسان در جهت ایجاد سازش مؤثر نبوده است.
- بسیاری از اختلافات زوجین ناشی از عدم اطلاع کافی از حقوق و وظایفشان در مقابل یکدیگر می‌باشد؛ بنابراین لازم است در راستای پیگیری سیاست بهداشت قضایی، دوره‌های آموزش کوتاه مدت در ابتدای ازدواج برای زوجین برگزار گردد. با توجه به این که اکنون شرکت در کلاس‌های تنظیم خانواده در ابتدای ازدواج اجباری است، می‌توان دوره آموزش رفتار در خانواده از نظر روان‌شناسی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی را نیز با هماهنگی قوه قضائیه و سازمان بهزیستی در ابتدای ازدواج برگزار و شرکت زوجین را اجباری نمود تا دختران و پسران جوان با آگاهی و اطلاعات بیشتری مبادرت به تشکیل خانواده نمایند و با وظایف خود در خانواده آشنا شده و آثار عدم انجام تکلیف در مقابل دیگری را بدانند.
- در کنار مجتمع‌های خانواده، به تعداد لازم شعب داوری، متشکل از کارشناسان حقوقی، مشاورین خانواده و روان‌شناسی تشکیل شود و دادگاه با الحاق دو نفر از منتخبین زوجین به هر شعبه‌ای که به اختلاف زوجین رسیدگی می‌کند، اقدام لازم جهت پیشگیری از شدت اختلاف و طلاق را انجام دهد.

- در حقوق ایران نقش داوران فقط در ایجاد صلح و سازش خلاصه شده است که در صورت عدم موفقیت، به دادگاه اطلاع داده و تکلیف دیگری ندارند. در حالی که در برخی از کشورهای اسلامی در صورت عدم موفقیت در ایجاد صلح و سازش بین زوجین، داوران وظیفه دارند مقصر در ایجاد شقاق و درصد تقصیر وی را به دادگاه اعلام نمایند؛ بنابراین لازم است قانونگذاران ایران نیز مانند حقوق این کشورها نقش داوران را در تعیین مقصر در ایجاد شقاق و اختلاف پررنگ‌تر نمایند.
- مناسب است التزام دادگاه به نظریه داوران در قانون دوری ایران تصریح شود. این امر دادگاه را برای رسیدن به واقع کمک کرده و علاوه بر این می‌تواند زوج یا زوجه‌ای را که نشوز نموده به انجام تکلیف در برابر دیگری وادار نماید تا ماده نزع قلع گردد.

منابع

۳. استانبولی، ادیب (۱۹۹۷ م)، الصیغ القانونیه لدعاوی الأحوال الشخصیه، ج ۲، دمشق: نشر المكتبه القانونیه.
۴. بنا، کمال صالح (۱۹۹۶ م)، الصیغ القانونیه لدعاوی الأحوال الشخصیه، ج ۳، قاهره: نشر المكتب الجامع الحدیث.
۵. تریز، عبدالرشید (۱۳۸۵)، طلاق از دیدگاه اسلام، ج ۱، زاهدان: نشر احسان.
۶. جبعی العاملی (شهید اول)، زین‌الدین (۱۴۱۶ ق)، مسالک الافهام فی الحلال و الحرام، ج ۱، قم: نشر معارف اسلامی.
۷. حلی (محقق)، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ ق)، شرایع الاسلام فی الحلال و الحرام، قم: انتشارات امیر.
۸. روزنامه حمایت. ۱۳۹۵. ماهیت دآوری در اختلافات خانوادگی. www.hemayatonline.ir
۹. سمنی، حسن علی (۱۹۹۰ م)، الوجیز فی احوال الشخصیه، ج ۱، قاهره: دارالکتب القانونیه.
۱۰. شفته، محمد فهر (۱۹۹۷ م)، شرح احکام الأحوال الشخصیه، ج ۱، دمشق: مؤسسئ النوری.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. طبرسی، ابن علی الفضل بن الحسن (۱۹۹۵ م)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت: مؤسسئ الأعلمی للمطبوعات
- طوسی، ابوجعفر محمد ابن الحسن (بی‌تا)، التبیان، ج ۱، بی‌جا: مکتبه الامین.
۱۳. عبدالحمید، نظام‌الدین (۱۹۸۹ م)، احکام انحلال عقد الزواج فی فقه الاسلامی و القانون العرقی، ج ۱، بغداد: نشر بیت الحکمه.
۱۴. عیسی الفقی، عمرو (۲۰۰۵ م)، الموسوعه الشامله فی احوال الشخصیه، ج ۱، قاهره: دارالکتب القانونیه
۱۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۲)، تفسیر نور، ج ۵، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، حقوق مدنی (خانواده)، تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.
۱۷. مصطفوی (علامه)، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، ج ۱، بی‌جا: مرکز نشر کتاب.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۵)، تفسیر نمونه، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. ناجی، محسن (۱۹۷۰ م)، شرح قانون احوال الشخصیه، ج ۱، بغداد: نشر الرابطنجفی، محمدحسن (۱۹۹۴ م)، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، ج ۲، بیروت: نشر دار احیاء تراث العربی.
۲۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر و همکاران (۱۳۷۷)، تفسیر رهنما، ج ۲، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۱. هدایت‌نیا، فرج الله، (۱۳۸۶)، فلسفه حقوق خانواده، ج ۱، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.

The benefits of family disputes to arbitration and dispute settlement proceedings by the court

Mohammad Reza Marandi¹, Mohammad Taghi Aasad²

1. *Assistant Professor of Law, Law group, Branch Germe, Islamic Azad University, Germe, Iran (Corresponding Author)*
2. *Graduate Student, Law group, Branch Germe, Islamic Azad University, Germe, Iran*

Abstract

Arbitration can be found in the legal term "dispute between the parties out of court by a person or persons or third parties, they will be chosen in this direction" Knew. This definition includes any type of arbitration cases filed. Whether these claims, family, ranging from domestic commercial disputes and International Law and International Commercial Arbitration Act 1997 that in the latter case is Or civil proceedings that are subject to the arbitration provisions in the Code of Civil Procedure Or arbitration in family disputes that particular way of arbitration and refers to cases where disputes arise between couples and according to the conditions set forth in the Family Protection Law takes place. Existence difference between couples due to their individual differences are natural, but it is not natural that such progress is undermined Family Foundation. In Iranian law, this institution, the judge called the attention of the legislator; although defects in the existing laws. In this paper, the advantages of arbitration of family disputes and court proceedings have been discussed by the Council of dispute resolution at the end suggested that the judiciary in the family courts, Sufficient number of branches jury, comprising legal experts and psychologists, family counselors dispute resolution councils to help to solve family disagreements.

Keywords: challenge, dispute, family, Dispute Resolution Council
